

به‌جای مقدمه

روایت‌های همگن

«شهرهای جدید»، «شهرک‌های اقماری»، «شهرهای یکم‌رتبه»، «شهرهای پشتیبان»، «شهرهای موضوعی»، «شهرهای خوابگاهی»... «شهرک‌هایی که یا به بهانه‌ی سکونت شاغلان صنایع در جوار مناطق صنعتی، یا سرریز جمعیت «مادرشهر»، یا انواع معدودی از آنها به‌عنوان نوعی سکونت آترناتیو، یا حتا گونه‌ای متاخر، معروف به «مسکن مهر» و... شکل گرفته‌اند.

امروز این شهرهای نوخواسته (چنان‌که بخش‌های نوخواسته‌ی شهر قدیم یا بخش‌های حاشیه‌ای شهرهای بزرگ)، تجسمی از نوعی معاصریت در قامت شهر امروزند. در کشاکش نیروهای تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان «مادرشهر» و شهر جدید، روایت شهرهای جدید، به‌خصوص آن‌جا که در سایه و تسلط شهری تاریخی بوده‌اند، همواره به‌نفع روایت «مادرشهر» صادره شده است.

از این منظر مسلط، «شهرک‌های جدید»، مثل زندگی امروز، انگار حرف چندان‌ی برای گفتن ندارند. چنین نظرگاهی، خواه‌ناخواه شهرهای قدیم یا «مادرشهر» را از «شهرک‌های جدید» و «اقماری»، با اهمیت‌تر، و حتا هستی این شهرها را، یکسره در گروی شهر «مادر» یا «اصلی» می‌داند.

رسالت یا مقصود مجموعه‌ی حاضر (مجموعه‌ی سوم پروژهِ «راوی: شهر») اما تمرکز بر روایت این زیستگاه‌های متمرکز معاصر، همان «شهرک‌های اقماری»، همان «حاشیه‌ها» است.

راوی اگر شهر است، شهر کوچک و بزرگ و قدیمی و جدید ندارد. هر شهری، روایت‌گر آن‌هایی‌ست که آن (یا او؟) را زندگی، و به‌نوبه‌ی خود، روایت می‌کنند؛ و هر روایتی، اگر اسباب روایت را به‌جا آورده باشد، اصیل و بااهمیت است. تجربه‌ی مکان‌های مشهور یا شهرهای «تاریخی» و بزرگ، الزاماً به روایت‌های «مهم‌تر» نمی‌انجامد.

چنین نظرگاه تکتگرگرا و غیرسلسله‌مراتبی، می‌تواند به نوعی هم‌ارزی یا «همگنی» روایت‌ها انجامد. این همگنی می‌تواند امکان روایت‌های بیشتر و بیشتر را فراهم آورد؛ و هرچه روایت‌های یک شهر بیشتر، «ریزولوشن» و دقت‌پدیدارشناختی آن شهر، بیشتر.

شهرها یا (آن‌چنان که رایج است) «شهرک‌های اطراف اصفهان نیز، حیات خاص خود را داشته‌اند؛ حیاتی که از سرگذشت چند نسل رمق گرفته اما کم‌تر بازگفته و پرداخته است؛ شاید چون در سایه‌ی سنگین شهری «تاریخی» و «مشهور» قرار گرفته‌اند.

^۱ . موضوع مجموعه‌ی اول «راوی: شهر» (۱۳۹۴)، شهر به‌طور عمومی، و موضوع مجموعه‌ی دوم (۱۳۹۶)، متروکه‌ها و ویرانه‌های شهری‌ست.

این مجموعه کوششی ست، هرچند کوچک، برای به روایت درآوردنِ روایانِ خاموشِ این شهرهای بی ادعا؛ روایانی که به هر نحو این شهرها را زیسته‌اند. کوششی کوچک است چون بی شک تا رسیدن به آن ریزلوشنِ پیش‌گفته، که البته میزان و حدِ مشخصی هم ندارد، حداقل به لحاظِ تعدادِ روایت‌ها، بسیار فاصله دارد. با وجودِ این، همین مختصر می‌تواند فتحِ بابی باشد برای روایتِ شهرهایی که کمتر آن‌ها را روایت می‌کنیم یا کمتر به آن‌ها گوش می‌دهیم.

شورای «راوی: شهر ۳». زمستان ۹۸